



شبکه شعاعی معنای «دیدن» در خطبه‌های نهج البلاغه بر پایه معنانشناسی شناختی قالبی

(بررسی موردی فعل رأی با تکیه بر ترجمه‌های دشتی، جعفری و شهیدی)

نصراالله شاملی^۱ و فرزانه حاجی قاسمی^{۲*}

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۵/۲۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۶/۰۷

چکیده

جستار حاضر می‌کوشد که با رویکردی شناختی و با تکیه بر روش توصیفی - تحلیلی شبکه شعاعی معنای فعل «دیدن» را در بافت زبانی - گفتاری سخنان امیرالمؤمنین (ع) براساس نظریه معنانشناسی شناختی قالبی فیلمور، بررسی و تحلیل نماید. فعل دیدن از جمله افعالی است که بر پایه شناخت و معرفت انسان حوزه معنایی گسترده - ای را به خود اختصاص داده است. معنای محوری و اصلی «دیدن»، دیدن با چشم به‌عنوان اندام جسمانی انسان است؛ اما فعل یادشده، در ترکیب‌های هم‌نشینی متفاوتی می‌تواند گستره معنایی خود را وسعت دهد و بر دیدن درونی و غیرمادی مانند فهمیدن و باورداشتن نیز دلالت کند. از این‌رو، کوشیده‌ایم بسط معنایی فعل «دیدن» را در گفتار امام (ع) بررسی کنیم. طبق دیدگاه شبکه شعاعی، هر واژه، دارای یک معنای مرکزی محسوس است که بر حسب موقعیتش در بافت‌های مختلف زبانی - گفتاری، معانی حاشیه‌ای جدید انتزاعی را به وجود می‌آورد. قالب‌های معنایی فعل «دیدن» در خطبه‌های بررسی‌شده عبارتند از: دیداری - ادراکی، فهمیدن، پنداشتن، دانستن، باورداشتن، یافتن، درک‌کردن و تصمیم‌گرفتن؛ البته در برخی از نمونه‌ها، فعل «رأی» در دو قالب معنایی متفاوت، در کنار یکدیگر، به کار رفته است. با این وجود در ترجمه‌های دشتی، جعفری و شهیدی به این نکته توجه کافی نشده است.

کلیدواژه‌ها: نهج البلاغه، معنانشناسی شناختی، شبکه شعاعی، هم‌معنایی، نظریه معنانشناسی قالبی، فعل دیدن.

۱. استاد گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه اصفهان.

۲. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی، دانشگاه اصفهان.

*: نویسنده مسئول

۱. مقدمه

زبان‌شناسی شناختی^۱ شاخه‌ای نو از دانش زبان‌شناسی است که در طول ۱۹۷۰ تا ۱۹۸۰ م به عرصه ظهور رسید. این مکتب از مباحث زبانی، علوم شناختی که به ذهن انسان می‌پردازد و روان‌شناسی گشتالتی^۲ که نقطه مرکزی آن ادراک نتیجه تعامل درون‌داد محیطی و پردازش ذهنی می‌باشد، سرچشمه گرفته‌است (Evans & Green, 2006: 3)؛ و با علوم دیگری چون عصب‌شناسی، هوش مصنوعی، فلسفه و نقد ادبی در ارتباط است. لذا، یکی از مهم‌ترین مکاتب دانش زبان‌شناسی به‌شمار می‌رود. داشتن چنین تعامل گسترده‌ای با دیگر علوم، سبب شده‌است تا قابلیت انعطاف‌پذیری به‌خود بگیرد و رابطه زبان انسان را با شناخت وی از جهان پیرامون بررسی و تحلیل نماید؛ چراکه «زبان الگوهای اندیشه و ویژگی‌های ذهن انسان را منعکس می‌کند» (Croft & Cruse, 2004: 2) و از زاویه نگاه زبان‌شناسی شناختی «زبان یک قوه ذهنی غیر حوزه‌ای^۳ و وابسته به دیگر قوای ذهنی است» (Langacker, 1987: 6).

«شناخت»^۴ انسان از اصلی‌ترین اصول زبان‌شناسی شناختی به‌حساب می‌آید و براساس آن، معنا و مفهوم زبانی درک و دریافت می‌شود. «زبان‌شناسی شناختی، رویکردی است که به زبان به‌عنوان وسیله‌ای برای کشف ساختار نظام شناختی انسان می‌نگرد» (گلفام و یوسفی‌راد، ۱۳۸۱: ۵۹).

حال با توجه به اینکه «دیدن» یکی از اساسی‌ترین راه‌های کسب اطلاعات و شکل‌گیری شناخت توسط انسان، محسوب می‌شود؛ در این پژوهش برآنیم تا با استناد به ساختار دانش دائرةالمعارفی^{***} و استفاده از فرهنگ‌لغات مستند عربی مانند المنجد از لویس معلوف، الوسیط از ابراهیم مصطفی و همکاران، المکنز از محمود اسماعیل صینی و همچنین با مراجعه به فرهنگ لغت عربی - فارسی آذرنوش آذرتاش، فعل‌هایی که در زبان عربی برای مفهوم «دیدن» استعمال می‌شود را استخراج کنیم و بار معنایی هر یک را با در نظر داشتن قالب‌های معنایی بررسی نماییم و موارد به‌کاررفته آنها را در خطب نهج‌البلاغه تحلیل کنیم. ضمن آنکه حوزه معنایی به‌دست‌آمده نقش مهمی در ترجمه بافت گفتاری امام (ع) دارد، در خلال بیان فعل دیدن و گستره معنایی آن، به ترجمه معاصر محمد دشتی، محمدتقی جعفری و جعفر شهیدی نیز اشاره‌ای خواهیم نمود.

۱-۱. بیان مسئله

یکی از مباحث مهم مطرح‌شده در زبان‌شناسی شناختی، شبکه شعاعی^۵، هم‌معنایی^۶، چندمعنایی^۷

-
1. Cognitive linguistics
 2. Gestalt
 3. Non - Modular
 4. Cognitive
 5. Radial Network
 6. Homonymy
 7. Polysemy

دانش دائرةالمعارفی است. اصطلاح شبکه شعاعی برای نخستین بار توسط جورج لیکاف^۱ و بروگمان^۲ به عنوان مدلی جهت بررسی ساختار معنایی واژگان، ارائه شد. در چارچوب شبکه شعاعی هر واژه یک معنای مرکزی^۳ یا پیش‌نمونه دارد که بر پایه آن معانی جدید و حاشیه‌ای به طرق مختلفی مانند استفاده از صنایع ادبی چون استعاره، مجاز، کنایه و غیره، تولید می‌شود؛ بنابراین شبکه‌ای از معانی شکل می‌گیرد و تعدد معانی حاصل می‌شود.

نکته حائز اهمیتی که اصطلاح شبکه شعاعی و هم‌معنایی در معناشناسی شناختی بدان اشاره دارند آنست که هر واژه می‌تواند در بافت‌های گفتاری متفاوت، قالب معنایی^۴ و مفهومی مختلف و غیر از معنای مرکزی خود، داشته باشد؛ بنابراین بافت موقعیتی گفتار، در بسط معنایی قاموسی واژگان تأثیر به‌سزایی دارد. معنای یک واژه با در نظر داشتن دیگر واژگان مرتبط با آن، شناخته می‌شود. لذا، نمی‌توان معنای برداشته‌شده از واژه الف را در متن شماره ۱، به همان واژه در متن شماره ۲ نسبت داد - همان‌طور که در تصویر ذیل گویاست - زیرا یک واژه در دو بافت گفتاری مختلف به کار رفته‌است.

الف

متن شماره ۱

####الف####

متن شماره ۲

ابن انباری در خصوص نقش بافت و سیاق گفتار در تعیین معنای واژگان آن، چنین گفته‌است «معنای موردنظر، از آنها را نمی‌توان فهمید مگر از واژگان ماقبل و مابعدش که بیانگر تأویل آن هستند» (ابن انباری، ۱۹۶۰: ۳-۴).

نکته مذکور، در نظریه معناشناسی قالبی^۵ که توسط فیلمور^۶ ارائه شد، قوت بیشتری پیدا کرد. طبق این نظریه، هر فعلی برای تحقق یافتن نیازمند عناصری است که در صورت ناقص بودن، فعلی محقق نمی‌شود. فیلمور و آتکینز^۷ در سال ۱۹۹۲ میلادی قالب معنایی افعال تجارتي را مطرح کردند. از جمله فعل‌هایی که آنها بدان پرداختند فعل «خریدن» است. عناصری که باید فراهم باشد تا فعل خریدن صورت گیرد عبارتند از خریدار (فاعل)، کالا (مفعول)، فروشنده (فاعل دوم) و پول (مفعول دوم). در کنار فعل خریدن، فعل فروختن را ذکر می‌کنند. فعل فروختن عناصر فعل فروختن را نیاز دارد تا تحقق‌پذیر اما با تفاوت همراه است؛ تفاوت مدنظر، تغییر روابط حاکم بر عناصر است که با تغییر معنایی - مفهومی توأم می‌باشد**.

1. George Lakoff
2. Brugman
3. Core Meaning
4. Semantics Frame
5. Frame Semantics
6. Charles J. Fillmore
7. Atkins

فیلمور قالب را ساختار شناختی می‌داند که به شیوه «پیش‌انگاری»^۱ سعی دارد مفاهیم رمزگذاری شده را دریابد. «پیش‌انگاری به‌عنوان یکی از روش‌های درک و استخراج حقایق ناگفته بوده که در اختیار مخاطب است؛ بدین‌صورت که برحسب اطلاعات موجود در یک جمله می‌توان به اطلاعات دیگری دست‌یافت» (مادرشاهیان، ۱۳۹۴: ۱۰۸).

بنابراین، تفاوت معنایی - مفهومی هم‌معناها نتیجه تغییر رابطه حاکم بر عناصر فعلی است و از همین‌رو، نمی‌توان در هر ترکیب زبانی، هم‌معناها را جایگزین یکدیگر کرد. «از این‌رو، می‌توان گفت درک معنای واژگان و ترکیب‌های زبانی بدون شناخت واحد ترجمه و خارج از متن میسر نیست و باید در چارچوب روابط نحوی و معنایی حاکم بر متن تغییر و تفسیر یابد» (طهماسی و جعفری، ۱۳۹۳: ۱۰۵). در حقیقت پژوهش پیش‌رو سعی دارد با در نظر داشتن نحوه به‌کارگیری مباحث شناختی و ذهنی - که در آفرینش و کاربست واژگان در بافت زبانی نقش مهمی را ایفاگر هستند - در عملکرد بازگردان متن مبدأ به متن مقصد، به پرسش‌های ذیل پاسخ گوید:

- ۱- آیا فعل «رأی» در تمام بافت‌های زبانی - گفتاری به معنای مرکزی و سرنمونی خود به کار رفته‌است؟
- ۲- مترجم در بازگردان فارسی فعل «رأی»، توجه لازم را به بافت گفتار و ترکیب‌های هم‌نشینی واژگان داشته‌است؟

۱-۲. پیشینه پژوهش

تاکنون پژوهش‌های متعددی بر روی کلام امیرالمؤمنین علی (ع)، با رویکردهای متفاوت انجام شده‌است؛ اما در زمینه زبان‌شناسی شناختی، معناشناسی شناختی اندک بوده‌است که در ذیل به آوردن چند نمونه اکتفا می‌شود:

«نقد و بررسی طرح‌واره‌های تصویری قرآن در نهج‌البلاغه» حسن مقیاسی، ۱۳۹۵، فصلنامه پژوهشنامه نهج‌البلاغه، در این پژوهش ساختارهای استعاری نهج‌البلاغه در قالب سه طرح‌واره «قدرتی»، «حجمی» و «حرکتی» ارزیابی می‌شود. در این راستا، به آن دسته از طرح‌واره‌های تصویری در نهج‌البلاغه پرداخته می‌شود که ماهیت آنها برگرفته از استعاره‌های مفهومی قرآن کریم است. دستاورد پژوهش گویای آنست که کارکرد استعاره‌های قرآنی در قالب طرح‌واره حرکتی از بسامد بالاتری نسبت به سایر طرح‌واره‌ها در نهج‌البلاغه برخوردار است؛ «معناشناسی بصیرت در نهج‌البلاغه»، عباس مصالایی‌پور و مروت محمدی، ۱۳۹۳، کتاب قیّم، در این مقاله، مؤلفه‌های معنایی بصیرت با رویکرد هم‌نشینی و جان‌نشینی، در نهج‌البلاغه بررسی شده است. بصیرت با واژه‌هایی همچون اعتبار، تقوی، زهد، عشق، امانی و آرزوها، هم‌نشین شده است و با واژه‌هایی چون لب، توسم، امام و پیشوا و قلب سلیم، رابطه جان‌نشینی دارد؛ و در حوزه معناشناسی قرآن می‌توان به مقاله «قالب‌های معنایی فعل رأی در آیات قرآن کریم و برگردان فارسی بر پایه نظریه

1. Presupposed

معناشناسی قالبی چارلز فیلمور»، فرزانه حاجی قاسمی و نصراله شاملی، ۱۳۹۵، مطالعات ترجمه قرآن و حدیث اشاره کرد. در این پژوهش قالب‌های معنایی فعل رأی در نمونه‌هایی از آیات قرآنی با استناد به نظریه فیلمور بررسی و نحوه ترجمه آنها در شش ترجمه معتبر بازبینی شده است. دستاورد بررسی حاکی از آن است که مترجمین در برگردان فارسی فعل مذکور، آن‌چنان که بایسته می‌رود، به بافت گفتاری آیات و تفاوت قالب‌های معنایی ارائه شده برای رأی در زبان فارسی، توجه لازم را مبذول نداشته‌اند؛ لذا، جستار پیش‌رو کاری نو و پراهمیتی در زمینه شرح و ترجمه کلام گهربار امام (ع) خواهد بود.

۱-۳. ضرورت و اهمیت پژوهش

واژگان با قرار گرفتن در کنار یکدیگر در بافت‌های گفتاری گوناگون، مفاهیم متفاوتی را به همراه می‌آورند که با معنای قاموسی‌شان (معنای مرکزی) تفاوت دارد. لذا، عنایت داشتن به این مهم، با اتکاء بر اصول زبان‌شناسی شناختی و معناشناسی، مخاطب را در درک معنای صحیح عبارت یاری خواهد بخشید. فعل «رأی» از جمله افعال شناختی است که شبکه معنایی نسبتاً وسیعی را دارا می‌باشد و این نکته سبب شد تا قالب‌های معنایی گوناگون آن را در بافت گفتاری کلام امام علی (ع) با تکیه بر چارچوب معناشناسی قالبی، مورد بحث و بررسی قرار دهیم.

۲. بحث

۲-۱. هم‌معنایی و چندمعنایی

یکی از مباحثی که معناشناسی شناختی بدان پرداخته، مقوله «هم‌معنایی» واژگان است. بدین منظور که می‌توان واژه‌ای را در یک بافت زبانی - گفتاری جایگزین واژه دیگری نمود بی‌آنکه تغییری در معنا حاصل شود. باید اشاره کرد که هم‌معنایی مطلق در هیچ زبانی وجود ندارد و این تعریف که برخی از واژگان هم‌معنا و مترادف هستند یک امر نسبی است نه مطلق.

در واقع، بافت گفتاری و ترکیب رابطه هم‌نشینی واژگان این امکان را فراهم می‌سازد تا واژگان مختلف بتوانند متناسب با مفهوم بافت کلام، هم‌معنا به نظر آیند و به‌جای یکدیگر استعمال شوند (صفوی، ۱۳۷۹: ۱۰۹)؛ «رابطه هم‌نشینی و جانشینی از روش‌های دانش معناشناسی است» (مصلائی‌پور و محمدی، ۱۳۹۳: ۱۰). زیرا رابطه هم‌نشینی بر چگونگی قرار گرفتن واژه‌ها در کنار هم در یک بافت تأکید می‌کند (باقری، ۱۳۷۸: ۴۳).

بنابراین هم‌معناها ترکیبی از «دو یا چند صورت، با رابطه معنایی خیلی نزدیک که اغلب - و نه همیشه - در جمله‌ها قابل جانشینی با همدیگرند» البته لازم به ذکر است که هم‌معنایی و یا تشابه معنایی لزوماً بدین معنا نیست که می‌توان از واژگان هم‌معنای یک واژه در ترکیب‌های دیگر زبانی استفاده کرد زیرا با وجود رابطه معنایی مشابه، تفاوت‌های معنایی - مفهومی ظریفی با یکدیگر دارند که آنها را از هم جدا می‌کند (بول، ۱۳۹۳: ۱۴۱).

دیگر اصطلاحی که معناشناسی شناختی آن را در حوزه کاری خود قرار داده، اصطلاح چندمعنایی است. مراد از چندمعنایی بودن واژه آن است که دارای چندین معنای مرتبط باهم، می‌باشد. به‌عنوان نمونه می‌توان به واژه «انداخت» در اشعار فارسی اشاره کرد.

۱- بزیر سپر تیغ زهر آب گون/ بزد تیز و انداختش سرنگون (فردوسی)؛ در این بیت فعل «انداختن» در معنای قاموسی و وضع‌شده آن، یعنی پرت کردن و افکندن به کار رفته‌است (دهخدا، بی‌تا: ماده انداختن).
 ۲- همه شب همی کار او ساختم/ یکی چاره دیگر انداختم (فردوسی)؛ فعل «انداختن» در این مصرع با توجه به ترکیب شدن با واژه «چاره»، دیگر معنای قاموسی خود را در بافت گفتار ابراز نمی‌کند؛ بلکه به معنای اندیشیدن و به کار گرفتن است.

۳- نیاید سخن گفت ناساخته/ نشاید بریدن نینداخته (سعدی، بوستان)؛ فعل «انداختن» در این بیت معنای تصمیم گرفتن و برنامه‌ریزی کردن، می‌دهد (چنگیزی و عبدالکریمی، ۱۳۹۵: ۱۰۴).

اصطلاح چندمعنایی، ما را وارد مقوله شعاعی زبان‌شناسی شناختی و به تبع آن، معناشناسی شناختی می‌کند. «مقوله شعاعی مقوله‌ای مفهومی است که در آن چند مفهوم در ارتباط با یک مفهوم مرکزی یا سرنمونی سازمان‌بندی شده‌اند» (Evans & Green, 2006: 331) و این مفاهیم به‌طور شعاعی و شبکه‌ای با یکدیگر در ارتباط هستند. این ارتباط از طریق شناخت انسان به‌صورت طرحواره‌های تصویری^۱، عبارت‌های استعاری^۲ و مجازی، دایره‌المعارفی و فضاهاى ذهنی^۳، در بافت گفتاری و زبانی ظاهر می‌شوند (راسخ‌مهند، ۱۳۹۳: ۱۱۰).

۲-۲. شبکه شعاعی معنایی فعل «رای» (دیدن)

«دیدن» از جمله افعالیست که فرد را قادر می‌سازد تا با کمک چشم به‌عنوان مهم‌ترین عضو جسمانی، به جمع‌آوری اطلاعات و افزایش آگاهی نسبت به امور که در محیط پیرامونی در جریان هستند، بپردازد و بدین طریق تجارب نو و تازه‌ای را در اختیار داشته باشد. بر پایه همین تجارب ملموس و فیزیکی که انسان در طول حیات خویش بر روی کره زمین به‌دقت می‌آورد، قالب‌های معنایی هر واژه در بافت‌های زبانی - گفتاری متعدد، دائماً تغییر می‌کند و به این ترتیب گستره معنایی وسیعی را از آن خود می‌کند. به بیانی دیگر، «ارزش‌ها، عقاید و باورهای ما به‌طور افزاینده‌ای به روش‌های قدرتمندی توسط فرم‌های دیداری که در زندگی روزمره با آن مواجه می‌شویم، شکل می‌گیرند» (Sturken & Cartwright, 2001؛ به نقل از کهوند و عادل، ۱۳۹۰: ۶-۷).

1. Image Schemas
2. Metaphorical Clauses
3. Mental Spaces

دائرةالمعارف و فرهنگ‌های لغت در هر زبانی با گردآوری مترادفات معنایی (قاموسی) هر واژه، شناخت قالب‌هایی معنایی متفاوتی را برای اهل زبان و زبان‌آموزانی که به یادگیری آن روی می‌آورند، فراهم کرده‌اند. در زبان عربی برای فعل «رأی» مترادفات ذیل آمده است:

أَبْصَرَ، عَايَنَ، آنَسَ، شَاهَدَ، نَظَرَ، تَأَمَّلَ، تَوَسَّسَ، تَفَرَّسَ، حَمَلَقَ، رَمَقَ، رَاقَبَ، لَاحَظَ، لَمَحَ، بَصَرَ، رَنَا إِلَى، تَطَلَّعَ إِلَى، وَفَّعَ بَصْرَهُ عَلَى، أَدَامَ النَّظَرَ، وَجَدَ، اعْتَقَدَ، رَكَّزَ، أَتَيْتَ، ظَنَّ، عَرَفَ، لَقِيَ (اسماعیل صینی، ۱۴۱۴ هـ ق: ۴۸ و سید احمد، ۱۴۲۹ هـ ق: ۲۳۲ و نرم‌افزار معجم المعانی، ماده رأی).

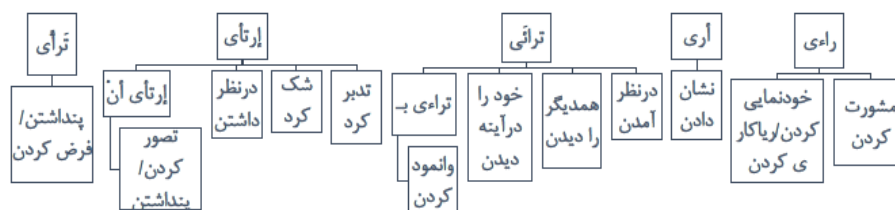
هر یک از مترادفاتی که برای فعل «رأی» در زبان عربی آمده است، تفاوت‌هایی با یکدیگر دارند همچنین تفاوت‌هایی با خود فعل «رأی» دارند؛ مانند تفاوت فعل لقی و رأی اگرچه در ترادف یکدیگر آمده‌اند؛ «فأما ابن ملجم المرادی فکان عداده فی کِنْدَةَ، فخرج فلقى أصحابه بالكوفة وكاتمهم أمره كراهة أن يظهرها شيئاً من أمره، فإنه رأى ذات يوم أصحاباً من تيمم الرباب - ...» (الطبری، ۱۹۸۸: حوادث سال ۴۰، ۱۱۰). در فعل «لقى»، دیدن امری دوطرفه است اما در فعل «رأی» فقط یک‌طرفه است. همچنین فرهنگ لغت «المعجم العربی الحدیث» در معنای مصدر «رأياً» آورده است: «رأیی كذا؛ فلان حسن الرأی» به معنای اعتقاد من چنین است؛ فالانی نیک‌اندیش است (جُرِّ، ۱۳۸۶: ۱۰۲۷)؛ و فرهنگ لغت «الرائد» به معنای گمان و اعتقاد مطرح کرده است (مسعود، ۱۹۸۶: ۷۱۱).

در حقیقت، نمی‌توان به‌طور حتم گفت که در هر بافت زبانی - گفتاری می‌شود بر اساس رابطه هم‌نشینی و جانشینی، یکی از مترادفات مذکور را به جای فعل «رأی» گذاشت بلکه باید متناسب با سیاق گفتاری متن، دست به انتخاب واژگان جایگزین زد؛ بنابراین، قالب معنایی هر واژه‌ای متناسب با بافت زبانی - گفتاری که در آن به‌کاررفته است، برداشت می‌شود.

«بنابراین، باید گفت حتی در یک زبان تمام کلمات مشابه و مترادف هر کدام بار معنایی خاص خود را دارد. این مسئله در مورد ساختارهای جملات نیز صادق است، یعنی وقتی ساختار جمله عوض می‌شود بار معنایی آن نیز تفاوت پیدا می‌کند و همین تفاوت که گاهی بسیار جزئی هم می‌تواند باشد، باعث می‌شود که هیچ دو جمله‌ای در یک زبان با دو ساختار متفاوت و واژگان مشابه یا مترادف برابری و یا مطابقت کامل نداشته باشد» (منافی اناری، بی‌تا، ۸۵).

قالب‌های معنایی که برای «رأی» آورده شده است عبارتند از: گمان کردن، دقت کردن، نگاه کردن، در نظر گرفتن / پنداشتن / فرض کردن، دادرسی کردن، تصمیم‌گرفتن، اندیشیدن / فکر کردن، دیدن با چشم سر، درک کردن / دریافتن؛ رأی آن: معتقدبودن، پنداشتن، اظهار عقیده کردن، به نظر رسیدن.

طبق معناهای به‌دست‌آمده از فرهنگ لغت عربی - عربی و عربی - فارسی، قالب معنایی فعل رأی به ۱۰ گروه تقسیم می‌شود. این قالب‌بندی معنایی برای دیگر ابوابی که فعل رأی به‌کاررفته است نیز وجود دارد.



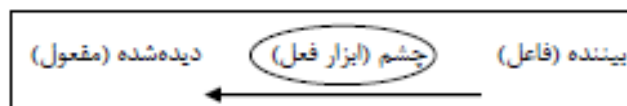
نمودار ۱: قالب معنایی فعل رأی

در نمودار بالا، قالب معنایی هر یک از ابوابی که فعل رأی در آنها استعمال شده، آمده است. برای باب مفاعله دو قالب معنایی، باب افعال یک قالب معنایی، باب تفاعل چهار قالب معنایی، باب افتعال چهار قالب معنایی و باب تفعّل یک قالب معنایی در نظر گرفته شده است. هر یک از قالب‌های معنایی ابواب، ضمن مشابه بودن، با یکدیگر تفاوت‌هایی دارند که تنها در سیاق و بافت گفتار مشخص می‌شود. لذا طبق چهارچوبی که اصطلاح هم‌معنایی آن را تعیین کرد، نمی‌توان قالب‌هایی معنایی را جایگزین یکدیگر کرد. با توجه به محور اصلی زبان‌شناسی شناختی که به دور شناخت و معرفت ذهنی انسان براساس تجارب فیزیکی - ملموس می‌چرخد؛ نقش تجارب مادی را در میزان کاربست قالب‌هایی معنایی معین‌شده فعل رأی، به خوبی خواهیم فهمید.

۲-۲-۱. قالب‌های معنایی فعل رأی در خطبه‌های امام علی (ع)

الف) قالب دیداری - ادراکی

برای محقق‌شدن فعل دیدن سه عنصر اصلی نیاز است که اگر نباشند و یا رابطه میان آنها دچار خدشه شود؛ فعل دیدن هرگز انجام نمی‌شود و در صورت محقق‌شدن، معنای موردنظر را شامل نخواهد شد. این سه عنصر و رابطه آنها در جهت تحقق قالب دیداری - ادراکی فعل «رأی» به قرار ذیل است:



با توجه به آن که عنصر محوری در قالب دیداری - ادراکی، چشم به‌عنوان مهم‌ترین عضو جسمانی انسان است؛ لذا، حوزه معنایی دیداری، لازمه یک فعل کاملاً مادی و ظاهری محسوب می‌شود.

«موضوعات مورد توجه فرهنگ دیداری شامل طیف‌های گوناگون تولید و دریافت تصویر است و تجارب همه روزه ما از دیدن و دیده‌شدن (به‌ویژه تجارب مستقیم و بی‌واسطه) را در برمی‌گیرد... [پس] مقوله‌هایی همچون دیدن، دیدواری***، انگاره و تصویر، قابلیت‌های پنهان روان‌شناختی و ناخودآگاه دیداری را در مطالعات دیداری آشکار می‌سازد و به همین اعتبار عناصر اصلی تجربه‌های دیداری به شمار می‌روند» (کهوند و عادل، ۱۳۹۰: ۷).

این قالب معنایی در خطبه‌هایی که امام علی (ع) ایراد کرده‌اند در زیر آمده‌اند:
 «فَإِذَا رَأَى أَحَدَكُمْ لِأَخِيهِ غَفِيرَةً فِي أَهْلِ أَوْ مَالٍ أَوْ نَفْسٍ فَلَا تَكُونَنَّ لَهُ فِتْنَةً، فَإِنَّ الْمَرْءَ الْمُسْلِمَ مَا لَمْ يَغْشَ دَنَاءَةً تَظْهَرُ فَيَخْشَعُ لَهَا إِذَا ذُكِرَتْ، وَيُعْرِى بِهَا لِيَأْمُ النَّاسُ» (خطبه/۲۳).

فعل «رأى» در این عبارت با توجه به مفعول به بی‌واسطه‌اش یعنی «غفيرة في أهل أو مال أو نفس» هم می‌تواند دلالت بر قالب معنایی دیداری (دیدن با چشم سر) داشته باشد و هم بر قالب معنایی پنداشتن کند.

جدول ۱: قالب معنایی دیداری

ساختار دستوری	فعل (رأى) + فاعل (أحد) + مفعول (غفيرة في ...)
نوع فعل	رویدادی
قالب معنایی	دیداری
نقش معنایی	(۱) بیننده؛ (۲) دیده‌شده؛ (۳) چشم، وسیله دیدن و دیده‌شدن.

جدول ۲: قالب معنایی پنداشتن

ساختار دستوری	فعل (رأى) + فاعل (أحد) + مفعول (غفيرة في ...)
نوع فعل	انتزاعی و ذهنی
قالب معنایی	پنداشتن
نقش معنایی	(۱) پندارنده؛ (۲) پنداشته شده؛ (۳) ذهن، طرف پندار و گمان.

از نگاه معناشناسی شناختی رابطه معنای اصلی فعل «رأى» که دیدن ظاهری است با قالب معنایی که در این خطبه به کار رفته و شبکه‌ای معنایی ایجاد کرده است، چنین می‌باشد:

دیدن با چشم سر (رأى بِالْعَيْنِ) ← پنداشتن (ظَنَّ)

«چشم»، یکی از اندام‌های جسمانی است که به‌عنوان دروازه ورودی اطلاعات و تصویربرداری از امور ملموس محیط پیرامون انسان، نقش مهمی را در انتقال داده‌ها از بیرون به درون، ایفا می‌کند؛ «همچنین ذهن قادر است تصاویر را به یاد آورد و از آن‌ها برای فهم تصاویر دیگر استفاده کند»***** (کهوند و عادل، ۱۳۹۰: ۸). حال باید با کمک شبکه شعاعی معنایی به‌دست آمده از قالب‌های معنایی فعل «رأى»، ارتباطشان را با دیدن ظاهری سنجید.

قالب معنایی دیداری (امر عینی و ملموس)، پنداشتن (امری انتزاعی و ذهنی)، با توجه به بافت زبانی - گفتاری متن خطبه ۲۳، با یکدیگر رابطه پنهانی و عمیق دارند. پنداشتن و گمان کردن چنان است که گویی کننده (فاعل) خود را در موقعیتی قرار داده است که انگار فعل دیدن با چشم سر از وی سرزده- است. از این‌روست که یکی از معادلات معنایی فعل «رأی» در این خطبه، فعل «ظن» خواهد بود. در همین جهت که شخص در ذهن خویش به دیدن غیرمادی می‌پردازد؛ در فعل «ظن» (پنداشتن و فرض کردن)، آن مفهوم یقین و حتمیت را که در فعل «رأی» (دیدن با چشم سر) وجود دارد؛ نمی‌یابیم. ترجمه: «پس اگر یکی از شما برای برادر خود، برتری در مال و همسر و نیروی بدنی مشاهده کند، مبادا فریب بخورد و حسادت کند...» (دشتی، ۱۳۹۳: ۴۷)

مترجم	ترجمه	مترجم	ترجمه	مترجم	ترجمه
دشتی	مشاهده کند	جعفری	دید	شهیدی	ببیند

در برگردان متون از زبانی دیگر به زبان فارسی ضمن عنایت به قالب معنایی واژه باید توجه داشت که آن قالب معنایی که از متن برداشت شده در زبان فارسی با چه واژه‌ای هماهنگ است. در ترجمه دشتی، فعل «رأی» مشاهده کردن - که خود ترکیب مصدر عربی با فعل فارسی است - و در برگردان جعفری و شهیدی، همان «دیدن» ترجمه شده است.

لازم به ذکر است که در قالب معنایی مشاهده کردن «مشاهده‌کننده دیدی کنترل‌شده به مشاهده‌شده دارد» یعنی کاملاً ارادی، هدفمند و همراه با دقت می‌باشد (موسوی و همکاران، ۱۳۹۴: ۲۲۶). این در حالی است که در خطبه امام(ع) با در نظر داشتن حرف شرط «إن» و حرف عطف «أو» میان متعلقات مفعول به (دیده‌شده) و بافت گفتار ایشان، نمی‌توان قالب معنایی مشاهده‌کردن را مفهوم ضمنی فعل «رأی» دانست؛ زیرا نمی‌شود به‌طور قطع اثبات کرد که مراد امام از دیدن، دیدن ظاهری و هدفمند است بلکه برحسب گمان و پندار که بنیاد یقین ندارد، باشد.

«فَلَمْ يَزَلِ الْمَوْتُ يُبَالِغُ فِي جَسَدِهِ حَتَّى خَالَطَ [لِسَانَهُ] سَمْعَهُ، فَصَارَ بَيْنَ أَهْلِهِ لَا يَنْطِقُ بِلِسَانِهِ، وَلَا يَسْمَعُ بِسَمْعِهِ: يُرَدُّ طَرَفَهُ بِالنَّظَرِ فِي وُجُوهِهِمْ، يَرَى حَرَكَاتِ أَلْسِنَتِهِمْ، وَلَا يَسْمَعُ رَجْعَ كَلَامِهِمْ» (خطبه/۱۰۹).

فعل «رأی» در خطبه ۱۰۹ نهج البلاغه در قالب معنایی مرکزی خود، یعنی دیدار ظاهری و ارادی به کار رفته‌است؛ زیرا حرکات و تکان‌های پیاپی زبان در طول مدتی که شخص گوینده سخن می‌گوید، برای فرد شنونده بینا، قابل رؤیت است و برای دیدن آنها نیاز به قدرت ذهن ندارد.

۱. در مباحث بلاغت عربی، حرف شرط «إن» زمانی استعمال می‌شود که در وقوع فعل شرط و به تبع آن، جزای شرط، هیچ‌گونه حتمیت و قطعیتی در کار نباشد (هاشمی، ۱۳۸۹: ۱۴۴).

جدول ۳: قالب معنایی مرکزی

ساختار دستوری	فعل (یَرَى) + فاعل (هو ضمیر مستتر) + مفعول (حَرَکَات)
نوع فعل	ارادی
قالب معنایی	دیداری
نقش معنایی	(۱) بیننده؛ (۲) دیده شده؛ (۳) چشم.

ترجمه: «اما مرگ همچنان بر اعضای بدن او چیره می‌شود تا آن‌که گوش او مانند زبانش از کار می‌افتد، پس در میان خانواده‌اش افتاده، نه می‌تواند با زبان سخن بگوید و نه با گوش بشنود، پیوسته به صورت آنها نگاه می‌کند و حرکات زبانشان را می‌نگرد اما صدای کلمات آنها را نمی‌شنود» (دشتی، ۱۳۹۳: ۱۴۷).

مترجم	ترجمه	مترجم	ترجمه	مترجم	ترجمه
دشتی	می‌نگرد	جعفری	می‌بیند	شهیدی	می‌بیند

تنها معادل «نگریستن» که دشتی در ترجمه فعل «رأی» آورده است کاملاً متناسب با قالب معنایی می‌باشد که مراد امام (ع) بوده است. و از دیگر عباراتی که امام علی (ع) در آنها فعل «رأی» را در قالب معنایی اصلی به کار گرفته‌اند عبارتند از:

«وَرَبَّ هَذِهِ الْأَرْضِ الَّتِي جَعَلْتَهَا قَرَارًا لِلْأَنَامِ، وَمَدْرَجًا لِلْهَوَامِّ وَالْأَنْعَامِ، وَمَا لَا يُحْصَى مِمَّا يُرَى وَمَا لَا يُرَى» (خطبه/۱۷۱).

ترجمه: «ای پروردگار این زمین که آن را جایگاه سکونت انسان‌ها و مکان رفت و آمد حشرات و چارپایان و پدیده‌های دیدنی و نادیدنی غیرقابل شمارش قرار داده‌ای...» (همان، ۲۳۱).

مترجم	ترجمه	مترجم	ترجمه	مترجم	ترجمه
دشتی	مشاهده کند	جعفری	دیده می‌شود	شهیدی	دیده می‌شود

«فَكَأَنَّمَا قَطَعُوا الدُّنْيَا إِلَى الْأُخْرَةِ وَهُمْ فِيهَا، فَشَاهَدُوا مَا وَرَاءَ ذَلِكَ، فَكَأَنَّمَا أَطَّلَعُوا غُيُوبَ أَهْلِ الْبَرَزِخِ فِي طَوْلِ الْإِقَامَةِ فِيهِ، وَحَقَّقَتِ الْقِيَامَةُ عَلَيْهِمْ عِدَاتِهَا، فَكَشَفُوا غِطَاءَ ذَلِكَ لِأَهْلِ الدُّنْيَا، حَتَّى كَانَتْهُمْ يَرُونَ مَا لَا يَرَى النَّاسُ، وَيَسْمَعُونَ مَا لَا يَسْمَعُونَ» (خطبه/۲۲۲).

ترجمه: «با این‌که در دنیا زندگی می‌کنند، گویا آنها را رها کرده به آخرت پیوسته‌اند. سرای دیگر را مشاهده کرده، گویا از مسائل پنهان برزخیان و مدت طولانی اقامتشان آگاهی دارند و گویا قیامت

وعده‌های خود را برای آنان تحقق بخشیده است. آنها پرده‌ها را برای مردم دنیا برداشته‌اند، می‌بینند آنچه را که مردم نمی‌نگرند و می‌شنوند آنچه را مردم نمی‌شنوند» (همان، ۳۲۵-۳۲۴).

مترجم	ترجمه	مترجم	ترجمه	مترجم	ترجمه
دشتی	دیدن / نگرستن	جعفری	می‌بینند / نمی‌بینند	شهیدی	می‌بینند / نمی‌بینند

در ترجمه دشتی، از دیدن و نگرستن برای ترجمه دو صیغه فعل «رأی» و در برگردان جعفری و شهیدی از دیدن، استفاده شده است. لازم به ذکر است که معانی ثانوی آمده برای فعل «نگرستن» در فرهنگ دهخدا به قرار ذیل است:

اعتنا کردن: هر روز بونصر به خدمت می‌رفت و سوی دیوار رسالت نمی‌نگریست (تاریخ بیهقی، نقل از دهخدا)؛ تأمل کردن، فکر کردن، اندیشیدن: وی سنگی پنج شش منی را راست کرد و زمانی نگرستن و اندیشه کرد، پس عراده را کشیدند (همان، ۴۷۳)؛ وارسی کردن: ما چون کارها را نیکوتر بازجستیم و پیش و پس آن را بنگریستیم ... (همان، ۳۳۴).

ب) قالب معنایی دانستن

«إِنكُمْ - وَاللَّهِ - لَكَثِيرٌ فِي الْأَبْحَاتِ، قَلِيلٌ تَحْتَ الرَّأْيَاتِ، وَإِنِّي لَعَالِمٌ بِمَا يُصْلِحُكُمْ، وَيُقِيمُ أَوْدَكُمْ، وَلَكِنِّي وَاللَّهِ لَا أَرَى إِصْلَاحَكُمْ بِإِفْسَادِ نَفْسِي» (خطبه/۶۹).

فعل «رأی» در خطبه ۶۹ در قالب معنایی دانستن به کاررفته است. گاهی فرد برای آنکه دانش خود را نسبت به یک امر غیرمحسوس، بیان کند از افعالی استفاده می‌کند که برای امور ملموس و عینی به-کارگرفته می‌شود مانند دیدن که با ابزار چشم صورت می‌گیرد؛ با این هدف که آگاهی از آن امر انتزاعی غیرمحسوس، به‌گونه‌ای به مخاطب انتقال داده شود که برای او قابل درک و محسوس باشد.

جدول ۴: قالب معنایی دانستن

ساختار دستوری	فعل (أری) + فاعل (ضمیر مستتر أنا) + مفعول (إصلاح)
نوع فعل	انتزاعی و ذهنی
قالب معنایی	دانستن، دریافتن
نقش معنایی	(۱) داننده؛ (۲) دانسته‌شده؛ (۳) ذهن، وسیله دانستن.

ترجمه: «به خدا سوگند، شما در خانه‌ها فراوان و زیر پرچم‌های میدان نبرد اندکید و من می‌دانم که چگونه باید شما را اصلاح و کجی‌های شما را راست کرد؛ اما اصلاح شما را با فاسد کردن روح خویش جایز نمی‌دانم» (دشتی، سال ۱۳۹۳: ۸۵).

مترجم	ترجمه	مترجم	ترجمه	مترجم	ترجمه
دشتی	جایز نمی‌دانم	جعفری	نخواهم کرد	شهیدی	— به قرینه «می‌دانم» در جمله قبل حذف شده است.

در ترجمه دشتی، معادل فعل «رأیت» را فعل ترکیبی «جایز دانستن» آورده که جزء دوم آن دانستن است لذا قالب معنایی فعل «رأی» را بیان می‌کند. در برگردان جعفری معادل «کردن» (انجام دادن) و در ترجمه شهیدی «دانستن»، برای فعل «رأیت» انتخاب شده است.

«حَتَّىٰ إِذَا رَأَىٰ اللَّهُ جِدَّ الصَّبْرِ مِنْهُمْ عَلَىٰ الْأَذَىٰ فِي مَحَبَّتِهِ، وَالْإِحْتِمَالَ لِلْمَكْرُوهِ مِنْ خَوْفِهِ، جَعَلَ لَهُمْ مِنْ مَضَائِقِ الْبَلَاءِ فَرَجًا، فَأَبْدَلَهُمُ الْعِزَّ مَكَانَ الدُّلِّ...» (خطبه/۱۹۲).

با در نظر داشتن این نکته که نمی‌توان برای خداوند متعال هیئت جسمانی قائل شد، فعل «رأی» قطعاً در قالب معنایی مرکزی خود یعنی دیدن با چشم سر، به کار نرفته است؛ و با توجه به مفعول به (دیده شده) «جِدَّ الصَّبْرِ» که مفهومی ذهنی و انتزاعی است، فعل «رأی» در قالب معنایی دانستن استعمال شده است.

جدول ۵: قالب معنایی دانستن

ساختار دستوری	فعل (رأی) + فاعل (الله) + مفعول (جِدَّ الصَّبْرِ)
نوع فعل	انتزاعی و ذهنی
قالب معنایی	دانستن، دریافتن
نقش معنایی	(۱) دریافت کننده؛ (۲) دریافت شده؛ (۳) ذهن، وسیله دانستن و دریافتن.

ترجمه: «تا آن که خداوند، تلاش و استقامت و بردباری در برابر ناملایمات آنها را، در راه دوستی خود و قدرت تحمل ناراحتی‌ها را برای ترس از خویش، مشاهده فرمود» (دشتی، ۱۳۹۳: ۲۸۱).

مترجم	ترجمه	مترجم	ترجمه	مترجم	ترجمه
دشتی	مشاهده فرمود	جعفری	می‌دیدند	شهیدی	می‌دیدند

بنا بر معناشناسی شناختی قالبی، مترجمان در برگردان معنای فعل «رأی» به فارسی، به‌خوبی عمل نکرده‌اند زیرا به‌جای فعل «مشاهده فرمود» و «می‌دیدند»، باید واژه‌ای را استفاده می‌کرد که مفهوم دانستن را همان‌گونه که در متن اصلی مدنظر امام(ع) بوده است، به مخاطب فارسی‌زبان منتقل کند.

ج) قالب معنایی تصمیم‌گرفتن

«وَقَدْ رَأَيْتُ أَنْ أَقْطَعَ هَذِهِ التُّطْفَةَ إِلَىٰ شِرْذِمَةِ مِنْكُمْ، مُوْطِنِينَ أَكْنَافَ دَجَلَةَ، فَأَنْهَضَهُمْ مَعَكُمْ إِلَىٰ عَدُوِّكُمْ، وَأَجْعَلَهُمْ مِنْ أُمَّدَادِ الْقُوَّةِ لَكُمْ» (خطبه/۴۸).

قالب معنایی فعل «رأی» در عبارت بالا، تصمیم‌گرفتن است و ارتباط میان فعل دیدن و تصمیم‌گرفتن آن است که شخص در ذهن خویش تمام جوانب کاری که درصدد انجامش است را می‌بیند (می‌سنجد) و پس از آن که در ذهن خود تجسس کرد و دید آنگاه بر مبنای دیده‌های فرضی و ذهنی‌اش، تصمیم به انجام‌دادن یا ندادن کار مورد نظر، می‌گیرد.

جدول ۶: قالب معنایی تصمیم‌گرفتن

ساختار دستوری	فعل (رأی) + فاعل (ضمیر بارز ت) + مفعول (أن أقطع)
نوع فعل	انتزاعی و ذهنی
قالب معنایی	تصمیم‌گرفتن
نقش معنایی	(۱) تصمیم‌گیرنده؛ (۲) تصمیم‌گرفته شده؛ (۳) ذهن، وسیله تصمیم‌گیری.

ترجمه: «زیرا تصمیم گرفتم از آب فرات بگذرم و به سوی جمعیتی از شما که در اطراف دجله مسکن گزیده‌اند رهسپار گردم و آنها را همراه شما بسیج نمایم...» (همان، ۷۱).

مترجم	ترجمه	مترجم	ترجمه	مترجم	ترجمه
دستی	تصمیم گرفتم	جعفری	نظر من این است	شهیدی	چنان دیدم که

در برگردان دستی و جعفری معنای «تصمیم‌گیری» به ترتیب به دو صورت مستقیم و کنایه‌ای برای فعل «رأی» معادل‌یابی شده است اما برگردان شهیدی به همان معنای مرکزی و سرنمونی «رأی» اکتفا نموده است.

د) قالب معنایی فهمیدن و شناختن

«رَحِمَ اللَّهُ رَجُلًا رَأَى حَقًّا فَأَعَانَ عَلَيْهِ، أَوْ رَأَى جَوْرًا فَرَدَّهُ، وَكَانَ عَوْنًا بِالْحَقِّ عَلَى صَاحِبِهِ» (خطبه/۲۰۵).

فعل «رأی» در این بخش از گفتار امام علی (ع) در قالب معنایی فهمیدن (عِلْمٌ) و شناختن (عَرَفَ) به کاررفته است. با توجه به مفعول به فعل «رأی» یعنی حق و جور که هر دو از امور انتزاعی و ذهنی هستند؛ نمی‌توان «رأی» را دیدن ظاهری دانست.

ارتباط معنایی دیدن ظاهری و فهمیدن و شناختن از آن جهت است که دیدن با چشم سر، نسبت به پدیده‌های عینی و ملموس، شناخت را حاصل می‌شود.

جدول ۷: قالب معنایی فهمیدن و شناختن

ساختار دستوری	فعل (رأی) + فاعل (هو مستتر که به رجلا بازمی‌گردد) + مفعول (حقاً)
نوع فعل	انتزاعی و ذهنی
قالب معنایی	فهمیدن، شناختن
نقش معنایی	(۱) کسی که می‌شناسد؛ (۲) شناخته‌شده؛ (۳) ذهن، وسیله شناختن.

جدول ۸: قالب معنایی فهمیدن و شناختن

ساختار دستوری	فعل (رأى) + فاعل (هو مستتر که به رجلا بازمی‌گردد) + مفعول (جورا)
نوع فعل	انتزاعی و ذهنی
قالب معنایی	فهمیدن، شناختن
نقش معنایی	۱) کسی که می‌شناسد؛ ۲) شناخته‌شده؛ ۳) ذهن، وسیله شناختن.

ترجمه: «خدا رحمت کند آن کس را که حقی را بنگرد و یاری کند، یا ستمی را مشاهده کرده، آن را نابود سازد و حق را یاری داد تا به صاحبش بازگردد» (همان، ۳۰۵).

مترجم	ترجمه	مترجم	ترجمه	مترجم	ترجمه
دشتی	بنگرد	جعفری	ببیند	شهیدی	ببیند

در سه ترجمه بالا، به قالب معنایی فعل دیدن در زبان مبدأ و زبان مقصد توجهی نشده است. در برگردان دشتی «نگریستن» یکی از قالب‌های «دیدن» در زبان فارسی است که به صورت ارادی و بدون دقت انجام می‌شود در حالی که در متن خطبه امام(ع) مراد از فعل «رأى» شناختن و فهمیدن مبانی حق و جور است. دشتی نیز در برگردان فعل «رأى» دوم، برخلاف جعفری و شهیدی که «شناختن» ترجمه کرده‌اند، از معادل مشاهده کردن - یکی دیگر از قوالب معنایی دیدن - استفاده کرده است. اگر چه در مشاهده کردن دقت و هدف وجود دارد اما به اندازه قالب معنایی شناختن و فهمیدن نیست؛ چرا که به درجه درک، نرسیده است.

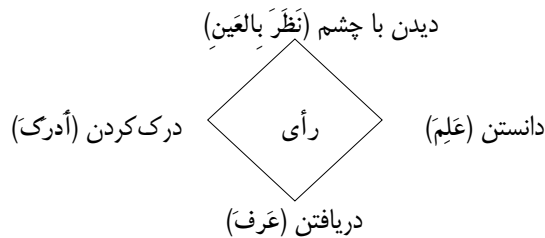
ه) قالب معنایی درک کردن

«فَلَمَّا رَأَى اللَّهُ صِدْقَنَا أَنْزَلَ بَعْدُوتًا الْكَبْتَ، وَأَنْزَلَ عَلَيْنَا النَّصْرَ، حَتَّى اسْتَقَرَّ الْإِسْلَامُ مُلْقِيًا جِرَانَهُ وَمُتَبَوِّئًا أَوْطَانَهُ» (خطبه/۵۶).

مسلم است که فعل «رأى» در معنای مرکزی خود یعنی دیدن با چشم، قابل انتساب به خداوند متعال نیست زیرا نمی‌توان برای او جسم مادی قائل شد؛ بنابراین، امام علی(ع) برای فعل «رأى»، بر پایه شناخت و معرفت ذهنی انسان که حاصل تجارب فیزیکی او در دنیاست، قالب معنایی دانستن، درک کردن و دریافتن را لحاظ کرده‌اند. مفعول به فعل «رأى» یعنی الصدق یک مفهوم ذهنی و غیرعینی است پس امکان ندارد بتوان آن را با چشم سر دید.

جدول ۹: قالب معنایی درک کردن

ساختار دستوری	فعل (رأى) + فاعل (الله) + مفعول (صدقنا)
نوع فعل	انتزاعی و ذهنی
قالب معنایی	دانستن، درک کردن، دریافتن
نقش معنایی	۱) دریافت‌کننده؛ ۲) دریافت‌شده؛ ۳) ذهن، وسیله دانستن و دریافتن.



همان‌طور که در شبکه معنایی بالا، مشخص است؛ قالب‌های معنایی فعل «رأى» در این خطبه امام(ع)، همگی از امور شناختی به حساب می‌آیند. بر این اساس می‌توان گفت امام(ع) از یک امر ملموس و قابل لمس برای انسان، سه برداشت انتزاعی و شناختی داشته‌اند.

زمانی که آدمی نسبت به موضوعی آگاهی و علم به دست آورد همانند وقتی است که می‌تواند شی‌ای را ببیند و تمام جوانب آن را بسنجد. پس یکی از قالب‌های معنایی فعل «رأى» دانستن (امر انتزاعی) است از آن جهت که انسان را در برابر بسیاری از امور بینا می‌کند و به او این توانایی و مهارت را می‌دهد تا با هوشیاری، اقدام به انجام عملی کند.

به بیانی دیگر، «لازمه درک ذهنی همان قالب معنایی مرکزی فعل «رأى» یعنی دیدن با چشم سر است. تا زمانی که فرد وجود نداشتن شی‌ای را نبیند قادر نیست تا عواقب نبودن آن را درک کند» (حاجی قاسمی و شاملی، ۱۳۹۵: ۷۶).

ترجمه: «پس آن‌گاه که خدا، راستی و اخلاص ما را دید، خواری و ذلت را بر دشمنان ما نازل و پیروزی را به ما عنایت فرمود تا آن‌جا که اسلام استحکام یافته، فراگیر شد و در سرزمین‌های پهناوری نفوذ کرد» (همان، ۷۵).

مترجم	ترجمه	مترجم	ترجمه	مترجم	ترجمه
دشتی	دید	جعفری	دید	شهیدی	مشاهده فرمود

در برگردان دشتی و جعفری به همان قالب معنایی نخست فعل «رأى» یعنی دیدن، بدون اهتمام به پیوند واژگان در بافت گفتاری، بسنده شده است و معادلی که در برگردان شهیدی انتخاب شده نیز مناسب بافت کلام نیست.

و) قالب معنایی اعتقادداشتن و باوردانستن

«فَرَأَيْتُ أَنَّ الصَّبْرَ عَلَى هَاتَا أَحْجَى، فَصَبَرْتُ وَفَى الْعَيْنِ قَدَى، وَفَى الْحَلْقِ شَجَا، أَرَى تُرَائِي نَهْبًا، حَتَّى مَضَى الْأَوَّلُ لِسَبِيلِهِ، فَأَدَلِّي بِهَا إِلَى فُلَانٍ بَعْدَهُ» (خطبه/۳).

۱. مراد از درک کردن، به کار افتادن قوه ادراک فهمی انسان برای دریافت مفاهیم است.

ترکیب فعل «رأی» در خطبه ۳ با حرف «أن» قالب معنایی معتقدبودن، باورداشتن و به نظر رسیدن را به دست می دهد.

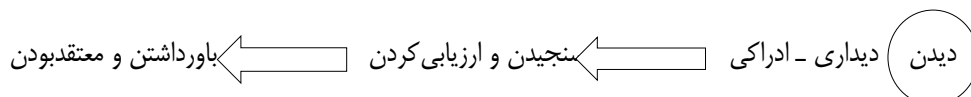
جدول ۱۰: قالب معنایی اعتقادداشتن

ساختار دستوری	فعل (رأی) + فاعل (ضمیر بارز ت) + مفعول (أَنَّ الصبر ...)
نوع فعل	انتزاعی و ذهنی
قالب معنایی	باورداشتن، اعتقادداشتن
نقش معنایی	(۱) کسی که باور می کند؛ (۲) باور شده؛ (۳) ذهن، وسیله باور کردن.

ترجمه: «پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم. پس صبر کردم درحالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلو من مانده است» (همان، ۲۹).

مترجم	ترجمه	مترجم	ترجمه	مترجم	ترجمه
دشتی	دیدم	جعفری	بر آن شدم	شهیدی	سنجیدم

ترجمه‌ای که آقای دشتی از «رأیت أن...» ارائه داده‌اند متناسب با رابطه میان فعل دیدن و باور داشتن است؛ زیرا مرحله پیش از به‌باور رسیدن، دیدن و سنجیدن جوانب مختلف یک امر است. به بیانی دیگر، در این عبارت فعل «رأی» با گذشتن از دو قالب معنایی دیداری - ادراکی و سنجیدن یا ارزیابی کردن به قالب معنایی باورداشتن، رسیده است. در برگردان جعفری معادل «بر آن شدن» و برگردان شهیدی «سنجیدن» که قالب معنایی میانی فعل «رأی» در این بافت گفتاری است، انتخاب شده است.



قالب معنایی ۳

قالب معنایی ۲

قالب معنایی ۱

بنابراین، می توان اظهار داشت که در برخی از موارد یک فعل محسوس برای رسیدن به قالب معنایی متفاوت از معنای مرکزی، باید از یک یا دو قالب معنایی عبور کند. به سخن دیگر، لازمه رسیدن به قالب معنایی مورد نظر، وجود قالب یا قوالب معنایی دیگری است تا شرایط به وجود آمدن آن را فراهم سازند. «لَا يَحْسَبُ الْعِلْمُ فِي شَيْءٍ مِمَّا أَنْكَرَهُ، وَلَا يَرَى أَنْ مِنْ وَرَاءِ مَا بَلَغَ مِنْهُ مَذْهَبًا لُغِيًّا» (خطبه/۱۷).

فعل «رأی» در خطبه ۱۷۱، با توجه به آنچه درباره ترکیب آن با حرف «أن» در فرهنگ لغت آذرتاش آمده است، معنای معتقد بودن، باورداشتن و اظهار عقیده کردن، می دهد. رابطه میان فعل دیدن و معتقد بودن آنست که به باوری رسیدن نتیجه دیدن ظاهری است. وقتی شخص یک چیز را به خوبی نگاه می - کند؛ درباره آن، به باور و اعتقاد می رسد. در همین راستا، امام علی(ع) از فعل محسوس برای بیان مفهوم

مجرد غیرملموس بهره‌جسته‌اند همان‌طور که در آیه ۱۲۶ سوره توبه، فعل «رأی» در قالب معنایی باورداشتن به‌کاررفته است؛ «رابطه میان قالب معنایی مرکزی و سرنمونی فعل «رأی» و قالب معنایی جدیدش آنست که لازمه به یقین رسیدن، دیدن با چشم سر و نگاه کردن مستمر و بادقت است» (حاجی‌قاسمی و شاملی، ۱۳۹۵: ۷۰).

جدول ۱۱: قالب معنایی باورداشتن

ساختار دستوری	فعل (یری) + فاعل (ضمیر مستتر هو) + مفعول (أَنَّ مَذْهَبًا ...)
نوع فعل	انتزاعی و ذهنی
قالب معنایی	باورداشتن، اعتقادداشتن
نقش معنایی	(۱) کسی که باور می‌کند؛ (۲) باور شده؛ (۳) ذهن، وسیله باور کردن.

ترجمه: «آن‌چه را که نپذیر علم به حساب نمی‌آورد و جز راه و رسم خویش، مذهبی را حق نمی‌داند» (همان، ۴۱).

مترجم	ترجمه	مترجم	ترجمه	مترجم	ترجمه
دشتی	نمی‌داند	جعفری	نمی‌بیند	شهیدی	نشانمرد

با در نظر داشتن نکته ترکیبی که گفته شد، در ترجمه «لا یری أن...» نمی‌توان فعل «نمی‌داند»، «نمی‌بیند» و «نشانمرد» را استفاده کرد اما اگر فعل رأی بدون هم‌نشینی با حرف «أَنَّ» آمده بود؛ در برگردان فارسی از قالب معنایی دانستن و شناختن استفاده می‌شد.

«أَلَا تَرَوْنَ أَنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ، اخْتَبَرَ الْأَوَّلِينَ مِنْ لَدُنْ آدَمَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ، إِلَى الْآخِرِينَ مِنْ هَذَا الْعَالَمِ، بِأَحْجَارٍ لَا تَضُرُّ وَلَا تَنْفَعُ، وَلَا تُبْصِرُ وَلَا تَسْمَعُ» (خطبه/۱۹۲).

ترکیب فعل «رأی» با حرف «أَنَّ» قالب معنایی باور کردن و پنداشتن را حاصل می‌شود؛ اما با توجه به بافت کلام می‌توان قالب معنایی عبرت‌گرفتن و پندگرفتن را نیز از «أَلَا تَرَوْنَ أَنَّ» برداشت کرد زیرا گوینده سعی دارد نگاه شنوندگان را به اتفاقاتی که در زمان گذشته رخ داده است، تغییر دهد و از آنها بخواهد با دید عبرت‌گرفتن به حوادث گذشته نگاه کنند. بدیهی است که این نگاه کردن غیر از نگاه کردن با چشم سر است چرا که باید در پس دیدن با چشم سر دقت وجود داشته باشد و بیننده با هدف درس گرفتن بدان‌ها بنگرد؛ بنابراین، لازمه پندآموزی دیدن با چشم سر است تا با کمک داده‌های فیزیکی و عینی به‌دست‌آمده، مفهوم ذهنی عبرت‌گرفتن، شکل بگیرد و برای شنودگان محسوس باشد.

جدول ۱۲: قالب معنایی پندگرفتن

ساختار دستوری	فعل (ترون) + فاعل (ضمیر بارز واو) + مفعول (أَنْ اللهُ...)
نوع فعل	انتزاعی و ذهنی
قالب معنایی	پندگرفتن، عبرت گرفتن
نقش معنایی	(۱) پند گیرنده؛ (۲) پنددهنده؛ (۳) ذهن، وسیله پندآموزی.

ترجمه: «آیا مشاهده نمی‌کنید که همانا خداوند سبحان، انسان‌های پیشین از آدم(ع) تا آیندگان این جهان را با سنگ‌هایی در مکه آزمایش کرد که نه زیان می‌رسانند و نه نفعی دارند، نه می‌بینند و نه می‌شنوند؟» (همان، ۲۷۷).

مترجم	ترجمه	مترجم	ترجمه	مترجم	ترجمه
دشتی	مشاهده نمی‌کنید	جعفری	نمی‌بینید	شهیدی	نمی‌بینید

«مشاهده نمی‌کنید»، «نمی‌بینید» معادل‌هایی است که مترجمان برای «ترون أَنْ...» آورده‌اند. قالب معنایی آمده در ترجمه فارسی، حتماً باید همراه با دقت، هدف و کنترل‌شده باشد (موسوی و همکاران، ۲۲۶) لذا، قالب معنایی پندگرفتن را می‌توان از آن استنباط کرد.

ز) قالب معنایی یافتن

«لَقَدْ رَأَيْتُمْ أَصْحَابَ مُحَمَّدٍ (صلى الله عليه وآله)، فَمَا أَرَى أَحَدًا يُشْبِهُهُمْ مِنْكُمْ؛ لَقَدْ كَانُوا يُصْبِحُونَ شَعَثًا غَيْرًا، قَدْ بَاتُوا سُجَّدًا وَقِيَامًا» (خطبه/۹۷).

فعل «رأى» در ابتدای سخن در قالب معنایی شناختن به‌کاررفته است و دلالت بر خوب دیدن دارد؛ یعنی امام(ع) آشنایی و شناخت کافی نسبت به یاران پیامبر صلوات‌الله‌علیه به دنبال بسیار دیدن آنها، دارند. به سخن دیگر، دیدن اشخاص به‌دفعات بسیار سبب می‌شود تا بیننده با دیده‌شدگان وارد حوزه‌های فعلی دیگری چون صحبت کردن درباره امور مختلف گردد. در اثر صحبت کردن، از افکار، عقاید، رفتار و کردار دیده‌شدگان آگاه می‌شود و این آگاهی و شناخت نتیجه فعل دیداری است. پس دیدن مساوی با شناختن و دانستن خواهد بود. البته در برخی از موارد، صرفاً دیدن با دقت و هدفمند، بدون ورود به حوزه فعلی صحبت کردن، شناخت و آگاهی نسبی را به‌دست می‌دهد.

جدول ۱۳: قالب معنایی دیداری - ادراکی

ساختار دستوری	فعل (رأى) + فاعل (ضمیر بارز ت) + مفعول (أصحاب)
نوع فعل	دیداری - ادراکی
قالب معنایی	دیدن
نقش معنایی	(۱) بیننده؛ (۲) دیده‌شده؛ (۳) چشم.

فعل «رأی» در ادامه کلام (أری)، در قالب معنایی یافتن استعمال شده است. امام(ع) می‌فرماید: «هیچ یک از شما را همانند آنها نمی‌بینم یا نمی‌یابم». امام (ع) نسبت به یاران پیامبر اکرم صلوات‌الله‌علیه شناخت و آگاهی کافی داشته‌اند لذا بر اساس شناختی که در اثر دیدن آنها حاصل شده است، هیچ‌یک از افرادی که مورد خطاب قرار داده‌اند را همانند آنها نمی‌بینند یعنی نمی‌یابند. از همین رو، به کمک یک امر محسوس به حوزه یک امر انتزاعی و ذهنی راه پیدا می‌کنیم و برای بیان مقاصد و مفاهیم مجرد غیر محسوس، از آنها استفاده می‌نماییم.

جدول ۱۴: قالب معنایی یافتن

ساختار دستوری	فعل (أری) + فاعل (ضمیر مستتر أنا) + مفعول (أحداً منکم)
نوع فعل	انتزاعی و ذهنی
قالب معنایی	یافتن، پیدا کردن
نقش معنایی	(۱) پیدا کننده؛ (۲) پیدا شده؛ (۳) ذهن.

ترجمه: «من اصحاب محمد صلوات‌الله‌علیه را دیدم، اما هیچ کدام از شما را همانند آنان نمی‌نگرم. آنها صبح می‌کردند، درحالی‌که موهای ژولیده و چهره‌های غبارآلوده داشتند، شب را تا صبح در حال سجده و قیام به عبادت می‌گذراندند» (همان، ۱۲۹).

مترجم	ترجمه	مترجم	ترجمه	مترجم	ترجمه
دشتی	نمی‌نگرم	جعفری	نمی‌بینم	شهیدی	نمی‌بینم

در برگردان‌های بالا، به رابطه هم‌نشینی واژگان و تغییر معنایی فعل «رأی» از معنای مرکزی به معنای حاشیه‌ای توجه نشده است.

«وَاللَّهُ مَا أَرَى عَبْدًا يَتَّقِي تَقْوَى تَنْفَعُهُ حَتَّى يَخْزَنَ لِسَانَهُ، وَإِنَّ لِسَانَ الْمُؤْمِنِ مِنْ وَرَاءِ قَلْبِهِ، وَإِنَّ قَلْبَ الْمُتَّقِي مِنْ وَرَاءِ لِسَانِهِ.» (خطبه/۱۷۶).

فعل «رأی» در این بخش از خطبه ۱۷۶، بنا بر بافت زبانی - گفتاری‌اش، دلالت بر قالب معنایی یافتن و پیدا کردن می‌کند. زمانی که امام(ع) می‌گویند «بنده‌ای که چنان تقوایی پیشه سازد که برایش سودمند باشد، نمی‌یابم...» در حقیقت ندیدن معادل نیافتن است. به بیانی دیگر، مفعول به فعل «أری» شخصی است که وجود خارجی دارد و با چشم سر دیده می‌شود بنابراین ندیدن آن به معنای پیدا نکردنش است. از طرف دیگر نیافتن، نتیجه جست‌وجو کردن و تلاش برای یافتن است. بدین منظور از فعل محسوس و ملموس «رأی» برای یک امر ذهنی و انتزاعی استفاده شده است تا برای مخاطب قابل درک باشد.

جدول ۱۵: قالب معنایی یافتن

ساختار دستوری	فعل (أرى) + فاعل (ضمیر مستتر أنا) + مفعول (عبداً)
نوع فعل	انتزاعی و ذهنی
قالب معنایی	یافتن، پیدا کردن
نقش معنایی	(۱) پیدا کننده؛ (۲) پیدا شده؛ (۳) ذهن.

«پیدا کردن» در زبان فارسی از پدیدار شدن به معنای ظاهر شدن و در معرض دید قرار گرفتن، «اظهار کردن، نمایاندن، آشکار کردن، روشن کردن» است (دهخدا، بی تا، ماده دیدن) و یافتن یعنی «وجود، واجد شدن، یابیدن، پیدا کردن» (همان، ماده یافتن). همه مترادفات ذکر شده حاکی از آن است که پیدا کردن و یافتن (امر انتزاعی) هنگامی رخ می دهد که شیء یا شخص مدنظر، دیده شده (امر محسوس) باشد. در نتیجه یک امر ذهنی و انتزاعی به دنبال یک امر ملموس و عینی اتفاق می افتد. لذا، اگر بنده ای را با چنین ویژگی ندیدم؛ در واقع، مراد نیافتن است.

ترجمه: «به خدا سوگند! پرهیزکاری را ندیده ام که تقوا برای او سودمند باشد، مگر آن که زبان خویش را حفظ کرده بود و همانا زبان مؤمن در پس قلب او و قلب منافق از پس زبان اوست» (همان، ۲۳۹).

مترجم	ترجمه	مترجم	ترجمه	مترجم	ترجمه
دشتی	ندیده ام	جعفری	نمی بینم	شهیدی	نمی بینم

در سه برگردان دشتی، جعفری و شهیدی به قالب معنایی مرکزی فعل «رأی» بسنده شده و به پیوند واژگان در بافت گفتاری توجه نشده است.

نتیجه گیری

۱. قالب های معنایی فعل دیدن که در خطبه های علی (ع) آمده اند عبارتند از: دیداری - ادراکی، فهمیدن، پنداشتن و فرض کردن، دانستن و شناختن، معتقد بودن و باور داشتن، یافتن، درک کردن و تصمیم گرفتن. در برخی از موارد بررسی شده، فعل «رأی» در دو قالب معنایی متفاوت در کنار یکدیگر استعمال شده بود. البته لازمه هر یک از قالب های معنایی برداشت شده از فعل دیدن، همان دیدن ارادی و ظاهری است که با چشم سر، برای انسان ملموس می شود. از همین رو، فعل دیدن در زندگی بشر و برداشت وی از امور انتزاعی مختلف، بستگی به نوع نگاه کردنش دارد؛ به طوری که اگر زاویه نگاه تغییر کند، مسیر زندگی به دنبال آن عوض خواهد شد. در حقیقت، این چگونه دیدن است که شناخت آدمی را از جهان سازماندهی می کند. دیگر نکته ای که در بررسی نمونه ها خود را نشان داد آنست که در خطب نهج البلاغه از دیگر مشتقات فعل «رأی» استفاده نشده بود.

۲. عملکرد سه مترجم منتخب به عنوان ترجمه های برتر نهج البلاغه، در برگردان فعل «رأی» به بافت های گوناگونی که در آن به کار رفته است، دقت لازم را مبذول نداشته اند. همچنین به هنگام برگردان متن

مبدأ به مقصد، به تفاوت‌های معنایی میان مترادفات فعل «دیدن» در زبان فارسی مانند دیدن و مشاهده کردن، توجه لازم را نموده‌اند. در صورتی که می‌توان در کنار معنای اصلی واژه، به معنای حاشیه‌ای و ژرفی آن اشاره‌ای داشت.

پی‌نوشت

* **نظریه معنائشناسی قالبی:** معنائشناسی شناختی یکی از فروع زبان‌شناسی شناختی، معتقد است که بدون استفاده از فرهنگ‌لغت نمی‌توان معنای هر واژه را دانست. از جمله نظریه‌های معنائشناسی شناختی که به این مسئله بیشتر پرداخته است، نظریه فیلمور به نام «معنائشناسی قالبی» که در دهه ۷۰ میلادی ارائه شد (Croft & Cruse, 2004: 7). این نظریه با توجه به قالب‌های معنایی که هر واژه می‌تواند داشته باشد، نشان می‌دهد که چگونه یک واژه، معنای جدید (قالب معنایی جدید) را در بافت گفتار به وجود می‌آورد.

** لازم به ذکر است که می‌توانیم از قالب‌های معنایی به معنای تلامزی (لازمه خریدن، فروخته شدن است)، تضمینی (خانه را خریدم. تمام بخش‌های خانه، ضمن کلام وجود دارد) و تطابقی (مطابقت تصویر ذهنی با مصادق خارجی) رسید. دلالت‌های سه‌گانه در منطق برای هر واژه معرفی شده است.

*** ساختار دانش دایره‌المعرفی در زبان‌شناسی شناختی بر آن است که معنای یک واژه به مانند شبکه‌ای نظام‌مند می‌باشد که هر کدام از آنها درجه و اعتباری دارد. به بیانی دیگر، برخی از معانی موجود در شبکه مرکزی و برخی حاشیه‌ای هستند. چنین حالتی، پویایی معنای دانشنامه‌ای را می‌رساند. از این رو لانگاکر دانش دایره‌المعارفی را به چهار دسته تقسیم می‌کند: دانش عرفی، دانش عام، دانش ذاتی و دانش انحصاری (راسخ‌مهند، ۱۳۹۳: ۷۸ - ۷۷).
**** دیدوارگی اصطلاحی است که روند «تمرکز بر دیدن و دنیای دیداری در تولید معنای» را شامل می‌شود (کهوند و عادل، ۱۳۹۰: ۷).

***** ذهن به سه ناحیه خیال، وهم و عقل تقسیم می‌شود. اطلاعات از طریق حواس پنجگانه (دیدن، شنیدن، بویایی، چشایی و لامسه) وارد ناحیه خیال شده و از آن تصویرسازی می‌کند. تصویر به دست آمده وارد ناحیه وهم شده و در آنجا تکثیر می‌شود. سرانجام در ناحیه مرکزی ذهن یعنی قوه عقل (عالی‌ترین مرتبه)، به صورت مفهوم کلی درمی‌آید. از همین رو، تصویر و مفهوم دو مقوله جداگانه هستند که جایگاهشان به ترتیب در ناحیه خیال و عقل است.

منابع

- ابن انباری، محمد بن القاسم. (۱۹۶۰). الأضداد. الكويت: التراث العربی.
- اسماعیل صینی، محمود؛ مصطفی عبدالعزیز، ناصف و احد سلیمان، مصطفی. (۱۴۱۴). المکنز العربی المعاصر. ط ۱، بیروت: مکتبه لبنان ناشرون.
- آذرنوش، آذرتاش. (۱۳۸۸). فرهنگ معاصر عربی - فارسی. چاپ ۱۰، تهران: نی.
- باقری، مهری. (۱۳۷۸). مقدمات زبان شناسی. چاپ ۱۰، تهران: قطره.
- جُرّ، خلیل. (۱۳۸۶). المعجم العربی الحدیث (فرهنگ عربی - فارسی). ترجمه سید حمید طیبیان. تهران: امیرکبیر.
- جعفری، محمدتقی (بی تا). ترجمه نهج البلاغه. بی جا www.Farsi.balaghah.net.
- چنگیزی، احسان و عبدالکریمی، سپیده. (۱۳۹۵). «ابعاد معنایی «انداختن» و «بریدن» با رویکردی در زمانی: چندمعنایی، هم نامی یا هم معنایی بافت مقید؟». فصلنامه زبانشناسی گویش‌های ایرانی. ۱(۱)، ۸۶-۱۱۵.
- حاجی قاسمی، فرزانه و شاملی، نصرالله. (۱۳۹۵). «قالب‌های معنایی فعل «رأی» در آیات قرآن کریم و برگردان فارسی (بر پایه نظریه معنانشناسی قالبی چارلز فیلمور)». دو فصلنامه مطالعات ترجمه قرآن و حدیث. ۳(۶)، ۵۷-۸۳.
- دشتی، محمد. (۱۳۹۳). ترجمه نهج البلاغه. تهران: آفرینه.
- دهخدا، علی‌اکبر. (بی تا). لغت‌نامه دهخدا. زیر نظر دکتر محمد معین و دکتر جعفر شهیدی، تهران: سیروس.
- راسخ‌مهند، محمد. (۱۳۹۳). درآمدی بر زبان‌شناسی شناختی. تهران: سمت.
- سید احمد، ناصر؛ درویش، محمد؛ محمد، مصطفی و عبدالله، ایمن. (۱۴۲۹). المعجم الوسیط. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- شهیدی، جعفر (بی تا). ترجمه نهج البلاغه. بی جا www.Farsi.balaghah.net.
- صفوی، کوروش. (۱۳۷۹). درآمدی بر معنی‌شناسی. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، حوزه هنری.
- الطبری، محمدبن جریر. (۱۹۸۸). تاریخ الطبری. بیروت: دار الکتب العلمیه.
- طهماسبی، عدنان و جعفری، صدیقه. (۱۳۹۳). «جستاری در ترجمه از عربی به فارسی با تکیه بر فرآیند معادل‌یابی معنوی (بررسی موردی رمان السکریه)». پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی. ۴(۱۰)، ۹۷-۱۱۸.
- کهوند، مریم و عادل، شهاب‌الدین. (۱۳۹۰). «فرهنگ دیداری و مفهوم دیدن». نامه هنرهای تجسمی و کاربردی. ۸، ۵-۱۸.

- گلفام، ارسلان و یوسفی‌راد، فاطمه. (۱۳۸۱). «زبان‌شناسی شناختی و استعاره». تازه‌های علوم شناختی. ۴(۳)، ۶۴-۵۹.
- مادرشاهیان، سارا. (۱۳۹۴). «حذف فعل از منظر معنی‌شناسی شناختی». فصلنامه زبان پژوهی. ۷(۱۶)، ۱۳۲-۱۰۱.
- مسعود، جبران. (۱۹۸۶). الرائد معجم لغوی عصری. بیروت: دار العلم.
- مصطفی، ابراهیم؛ حسن الزیات، احمد؛ عبدالقادر، حامد و النجار، محمد. (۱۴۲۹). معجم الوسيط. الجزء الأول، طهران: مؤسسه الصادق للطباعة و النشر.
- مصلاهی‌پور، عباس و محمدی، مروت. (۱۳۹۳). «معناشناسی بصیرت در نهج البلاغه». فصلنامه کتاب قیّم. ۴(۱۰)، ۳۳-۷.
- معلوف، لوئیس. (۱۳۸۶). المنجد فی اللغة. تهران: اسلام.
- منافی‌اناری، سالار. (بی‌تا). «رویکردی زیان‌شناختی به ترجمه». مجله زبان و زبان‌شناسی، ۷۵-۹۰.
- موسوی، سید حمزه؛ عموزاده، محمد؛ و رضایی، والی. (۱۳۹۴). «بررسی واژه «دیدن» براساس معناشناسی قالبی». مجله جستارهای ادبی. دوره ۷، شماره ۷، ۲۳۶-۲۱۹.
- هاشمی، احمد. (۱۳۸۹). جواهر البلاغه فی المعانی و البیان و البدیع. چاپ پنجم، تهران: الهام.
- بول، جورج. (۱۳۹۳). نگاهی به زبان یک بررسی زبان‌شناختی. ترجمه نسرین حیدری، تهران: سمت.
- Croft, W. and Alan Cruse, D. (2004). **Cognitive Linguistics**. Cambridge: Cambridge University Press.
- Evans, V. and Green, M. (2006). **Cognitive Linguistics: An Introduction**, Edinburgh University Press.
- Langacker, R. (1987). **Foundation Of Cognitive Grammar**, Volume I. Stanford, CA: Stanford University Press.
- Sturken, M. & Cartwright, L. (2001). **Practices of Looking: An Introduction to Visual Culture**. Oxford University Press, New York.
- www. Almaany.com.